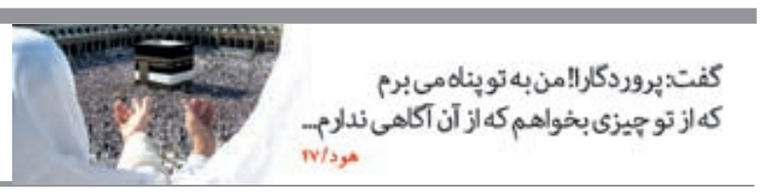

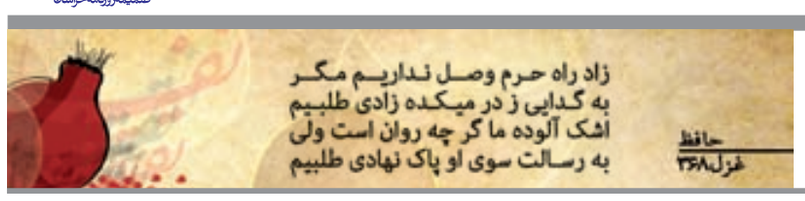

دنیا به روایت تصویر

اعتراض به بحران شیر در اروپا با پاشیدن شیرخشک در برابر ساختمان مقر شورای اتحادیه اروپا! عکس از آژانس عکس اروپا

نصب ردیاب روی بدن شیر ماده در «پارک ملی نایروبی» کنیا، عکس از آژانس عکس اروپا

آغاز طرح توزیع شیر مدارس، عکس از باشگاه خبرنگاران جوان

▪ در محضر بزرگان ▪

نباید به کسی به دیده حقارت نگریست

استاد فاطمی‌نیا درباره تواضع کردن در میان مردم، گفته‌اند:
ریشه تواضع حقیقی، معرفت است؛ شناخت عبودیت و فقر محض خود، و ربوبیت و عظمت و عزت مطلقه پروردگار. استادی داشتم که از اولیای الهی بود؛ وقتی توی خیابان راه می‌رفت، اگر بدترین آدم دنیا از کنارش عبور می‌کرد، می‌گفت: «من از او بالاتر نیستم. معلوم نیست که اگر او هم مانند من استاد و مربی می‌داشت از من بالاتر نمی‌شد!» پس نباید به کسی به دیده حقارت نگریست. انسان متکبر از بسیاری از فیوضات و خیرات محروم است. در میان همین مردم، اولیاء خدا هستند.

برگرفته از کتاب «نکته‌ها از گفته‌ها»

▪ داستان های واقعی ▪

اسیران پابرهنه

سیدناصر حسینی‌پور جانباز دفاع مقدس، در خاطرات خود، از اتفاقی جالب برای دو سرباز بعثی در منطقه عملیاتی «گوجار» کردستان نوشته است:
روزی روحانی شهید عبدا... میثمی، دو بسیجی رو دیده بود که دو اسیر عراقی گرفته‌اند. اون دو اسیر عراقی پابرهنه بودند. وقتی دو اسیر بعثی می‌خواستند از روی پل‌های فلزی خیبری رد شوند، بسیجی‌های ما دلشون به حال اون دو اسیر سوخته بود و کفش‌هاشون رو به اون دو اسیر داده بودند، از بس پل‌های فلزی داغ بود که پاهای دو بسیجی ما سوخته و تاول زده بود. شهید میثمی نماینده رهبر ما در قرارگاه خاتم الانبیاء خم شده بود که پای تاول زده آن دو بسیجی را ببوسد که اون دو بسیجی اجازه نداده بودند.

برگرفته از کتاب «پایی که جا ماند» اثر سیدناصر حسینی‌پور

▪ بریده ها ▪

اگر درد را نپذیری هیچ چیز یاد نمی‌گیری

به خودم یاد می‌دهم درد بیشتری را تحمل کنم، و هر چه درد بیشتری را تحمل می کنم، چیزهای بیشتری را یاد می گیرم. تو الان از درد می‌ترسی، اما اگر درد را نپذیری، هیچ چیز یاد نمی گیری. و هر چه بیشتر یاد بگیری، خوشحال‌تر می‌شوی که درد را تحمل می کنی.

برگرفته از کتاب «افسونگران تایتان» اثر کرت ونه‌گات جونیور

▪ فتو نکته ▪

▪ کاریکلماتور ▪

* خبرهای آتش‌نشانی همیشه داغ است.
* تمام بیکاران دنیا با هم همکارند.
* بانک با افراد بی‌پول، بی‌حساب است.
* دستان چپ و راست در همه کارها همدست هستند.
* ارز، مرز نمی‌شناسد.

رضا وارسته

▪ انگلیش آموزی ▪

نویسنده: میترا تاتاری، تصویرساز: سعید مرادی

▪ اندکی صبر ▪

حضور طلایی

صبح
همان تعبیر خواب‌های من است
وقتی هنگامه حضورت را
با آفتاب تفسیر می کنند

مریم پورقلی

▪ عجایب دنیا ▪

۶ نقطه عجیب ایران که باید قبل از مرگ دید!

ایسنا/ همه ما سفرهای هیجان‌انگیز را دوست داریم اما گاهی تصورمان این است که برای تجربه یک سفر هیجان‌انگیز، باید حتما گذرنامه و روادید داشت و به جایی مثل قلب جنگل‌های آفریقا زد؛ غافل از این که ایرانِ خودمان دست کمی از این مکان‌های مهیج ندارد. با ما همراه شوید تا با شش جاذبه گردشگری عجیب و غریب ایران آشنا شوید:

گردش در باغ میوه‌های سنگی

باغ سنگی یکی از جاذبه‌های سیرجان است. این باغ به «درویش‌خان اسفندیارپور» که مردی کر و لال بود، تعلق دارد. او با خانواده‌اش در ۴۰ کیلومتری سیرجان از طریق چوپانی و باغ داری زندگی می کرد. او پس از اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰ برای اعتراض به خاطر از دست دادن املاکش، دست از باغ داری برداشت تا این‌که همه درختان زمین باقی‌مانده او (پس از تقسیم اراضی) خشک شدند. او به همه شاخه‌های درخت‌های میوه، سنگ آویزان کرده بود و از آن‌ها مثل میوه‌هایی حقیقی مراقبت می کرد! درویش‌خان در سال ۸۶ از دنیا رفت و پیکرش در همان باغ دفن شد؛ اما این باغ سنگی جالب، هنوز پابرجاست و خیلی‌ها از آن دیدن می کنند.

دره ارواح کجاست؟

«دره ارواح» یا «دره کول خرسان» دره‌ای زیبا و شگفت‌انگیز در ۴۰ کیلومتری دزفول است. مسیر ورودی دره، پوشیده از درختان مختلف و زیباست. جوشیدن چشمه‌های دیواره‌ای، این دره را به یک دره شگرف تبدیل کرده و باعث شده دره دارای آب دایمی، آبشار، آب‌چکان، بیشه‌زار و انواع روییدنی‌های خاص باشد. گاه تنگه آن‌قدر باریک می‌شود که فقط امکان عبور یک نفر را دارد. دیواره‌های دو طرف گاهی در بالای سر به هم می‌رسند و گاه فقط روزنه باریکی دیده می‌شود و به خاطر ترسناک بودن آن، به «دره ارواح» هم مشهور شده است. این دره در نهایت به رودخانه منتهی می‌شود و از آن جا با شنا یا قایق می‌توان به خشکی رسید.

لرستان و چشمه‌ای در «وقت ساعت»

چشمه «وقت ساعت» در شهرستان دورود واقع شده است. این چشمه اسرارآمیز به این خاطر وقت ساعت نامیده می‌شود که در فواصل زمانی خاص و به صورت کاملا طبیعی قطع و وصل می‌شود! یکی دیگر از زیبایی‌های چشمه وقت ساعت قرارگرفتن آن در غاری است که بعد از روان شدن از دل غار مسیری را طی و سپس به دامنه‌های کوه «پریز» سرازیر شده و جریان می‌یابد. این پدیده طبیعی در طول سال به قوت خود باقی است. برای همین، مدت قطع و برقراری جریان آب چشمه در فصل های سال متفاوت و معمولا فاصله هر قطع و وصل از نظر زمانی و با توجه به فصل های سال بین ۴۵ دقیقه تا یک و نیم ساعت در نوسان است.

سفر به دره جن‌ها

در ۳۰ کیلومتری طبس دره‌ای زیبا و حیرت‌انگیز وجود دارد که بومیان قدیمی آن‌جا را «کال جنی» یا همان دره جن‌ها نامیده‌اند و بعضی‌ها به خاطر عجیب‌بودن دره، آن را محل زندگی ارواح و جن‌ها می‌دانند. دره دارای دیواره‌های بلند و پرشیب است. وجود تونل‌ها و خانه‌هایی به نام «خانه گبرها» در دل دیواره‌ها که برای سکنای زرتشتیان زمان خود ساخته شده است از دیگر جذابیت‌های این دره است. گفته می‌شود قدمت این دره به دوران ساسانیان بازمی گردد. اگر تصمیم گرفتید به این دره سفر کنید، هیچ‌گاه به‌تنهایی این کار را انجام ندهید. بومی‌های منطقه مسیر «کال جنی» را به خوبی بلدند و شما را همراهی خواهند کرد.

«گِل‌فشان» عجیب در چابهار

در ۱۰۰ کیلومتری چابهار، کوه گِل‌فشان «بندر تنگ» قرار دارد. اطراف این کوه را بیابانی همرنگ کوه و گِلی که از دهانه آن می‌جوشد و به اطراف پرتاب می‌شود فرا گرفته است. در بالاترین نقطه کوه، چاله‌ای به قطر کمتر از یک متر و به عمق حدود نیم‌متر وجود دارد که با گل پوشیده شده است. در فواصل زمانی حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه، مقداری گِل با صدای خاصی شبیه به ترکیدن یک حباب از چاله خارج و به اطراف پراکنده می‌شود. احتمالا تمام این کوه در طول سال‌های دراز بر اثر فعالیت این چشمه ایجاد شده باشد. اگر دیدن چشمه‌ای از جنس گِل، برایتان جالب است، بازدید از گل‌فشان را از دست ندهید.

چشمه‌ای با آب قرمز!

در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی شهرستان «قروه» در استان کردستان، چشمه‌ای جوشان و خروشان به نام «بابا گرگر» وجود دارد که دارای آبی با رنگ مایل به سرخ است که بعضی مواقع به رنگ زرد مایل به لیمویی هم درمی‌آید! این آب رنگی که احتمالاً از دهانه یک آتشفشان خاموش بیرون می‌آید، در استخر دایره‌ای شکل جمع می‌شود و منظره جالبی را به وجود می‌آورد. آب این چشمه به علت وجود املاح معدنی به‌ویژه گوگرد، رنگین است. این آب همچنین برای بیماری های سودایی و پوستی مناسب و در درمان سوءهاضمه و دیگر بیماری‌های دستگاه گوارش و نیز راشیتیسم و درمان تورم مؤثر است.

▪ دور دنیا ▪

آرایشگری که موها را آتش می زند!

آدیتی سنترال/ «شفقت راجپوت» یک آرایشگر بی نام و نشان در پاکستان بود تا این که انتشار ویدئویی از آرایشگری او در اینترنت باعث شد یک شبه معروف شود! او با مهارت زیادی موهای مشتریانش را هنگام آرایشگری آتش می زند و بعد شانه می کند! این کار باعث می شود تا موها حالت بهتری بگیرد و راحت تر شانه شود. در همه این مدت هم مشتری در کمال آرامش روی صندلی اش نشسته است!

مجسمه ای از جنس لاستیک خودرو!

بورد پاندا/ «مک فارلند» هنرمند لهستانی مجسمه های بی نظیری را با لاستیک خودروهای دسته دوم و کهنه می سازد که آن قدر زیباست که ممکن است ساعت ها محو دیدنش و هنر منحصر به فرد سازنده اش شوید. او برای هرکدام از این مجسمه ها که ساختن بعضی از آن ها بیشتر از یک ماه طول می کشد، بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ لاستیک خودرو استفاده می کند. مجسمه های او در شهر به نمایش گذاشته می شود.

ایستگاه قطار بر روی درخت!

بورد پاندا/ ایستگاه قطاری در شهر «اوزاکا» در ژاپن وجود دارد که ثابت می کند فناوری و طبیعت هم می توانند در کنار هم باشند! ویژگی بارز این ایستگاه ، درخت تنومند ۷۰۰ ساله این است که در زمان احداث نه تنها قطع نشده بلکه برای این که بتواند به راحتی از سقف ایستگاه راه خودش را پیدا کند، حفره ای هم برایش تعبیه شده است. این درخت کافور، نماد این شهر و منبع بعضی خرافات اهالی است.

▪ این کیه؟ ▪

می‌توانید با یک پیامک، برنده کاریکاتور تان بشوید!

سلام. در خدمت‌تون هستم با بیستمین مسابقه «این کیه؟». برنده مسابقه هفته پیش، جناب آقای حبیبا... محمدی از بردسکن هستن که کاریکاتورشون رو می‌بینین. مسابقه بعدی هم این کاریکاتور به‌هم‌ریخته است که باید تشخیص بدین مربوط به کدوم شخصیت معروف هست و تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه، اسم این شخصیت معروف رو برای ما پیامک کنید. اگه در قرعه‌کشی برنده بشین، کاریکاتورتون اثر سعید مرادی، کاریکاتوریست «زندگی سلام» چهارشنبه هفته دیگه همین جا چاپ میشه. ضمناً جواب مسابقه رو شنبه هفته دیگه، این جا در صفحه «همشهری سلام» ببینین. پس تا شنبه خدانگهدار

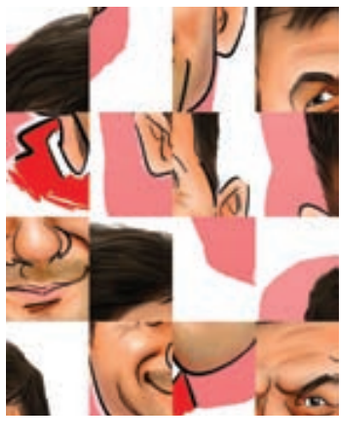

▪ دی روزنامه ▪

روش کاهش خطای پزشکی

در خبرها آمده بود در یکی از شهرهای کشور، کودکی که هنگام تولد به دلیل سهل‌انگاری دست راستش صدمه دیده بود، چند روز پیش و در دو سالگی به اتاق عمل برده شده و این بار به اشتباه دست چپش عمل شده است! هرچند پزشک و مسئولان از این اتفاق عذرخواهی کردند و والدین کودک هم با سعه صدر رضایت دادند و از موضوع گذشتند و پزشک دوباره کودک را عمل کرده است، ولی برای جلوگیری از رخ دادن این اتفاق لازم است هر کدام از ما نکات ایمنی را رعایت کنیم تا بعدها شاهد وقوع این خطاهای سهوی نباشیم و مجبور به پذیرفتن عذرخواهی و دوباره رفتن زیر تیغ عمل جراحی نشویم. البته دور از جان ولی اتفاق است دیگر، می افتد یا می افتانندش!
بهتر است قبل از اعزام به اتاق عمل و تزریق ماده بیهوشی، محل عمل را دقیق علامت‌گذاری کنیم. برای محکم کاری ضمن خط کشیدن با ماژیک قرمز روی قسمت بیمار بدنمان، چسباندن کاغذ حاوی نشانی دقیق محل عمل بار سم کروکی روی پیشانی الزامی است. بعید نیست برای عمل دهان وارد اتاق عمل شویم ولی به دلیل ناخوانا بودن نشانی، دهانه گوش‌مان عمل شود! یا برای جراحی لوزه برویم ولی چون کروکی را درست نکشیده‌ایم لوزه‌المعده‌مان در بیاید!
همچنین قبل از هر عمل لازم است بیمارستان‌ها علاوه بر گرفتن امضا برای قبول مسئولیت عمل جراحی از بیمار، یک برگه رضایت‌نامه هم تقدیم بیمار و خانواده‌اش کنند تا پیشاپیش رضایت کامل خود را از کلیه اتفاقاتی که ممکن است سهوا به سرشان بیاید اعلام کنند! همچنین قبل از دست به تیغ شدن، یک فرم پذیرش عذرخواهی هم به امضای بیمار و ورثه برسانند تا روال اداری عذرخواهی پزشک و بیمارستان در صورت هرگونه سهل‌انگاری زودتر طی شود!
البته این موارد نادر باعث نمی‌شود زحمات پزشکان عزیز را نادیده بگیریم و فراموش کنیم این اتفاقات درصد بسیار پایینی از آمار رویدادهای پزشکی است. در همین نمونه بالا، این که پزشک و مسئولان شهامت به خرج داده و از خانواده کودک عذرخواهی کرده‌اند و مجدد عملش کرده‌اند جای تقدیر دارد. وگرنه می‌توانستند ضمن تکذیب این موضوع، برای عمل مجدد هزینه مجدد بگیرند و اعلام کنند تقصیر خود کودک دو ساله بوده که هنوز دست چپ و راستش را تشخیص نمی‌دهد!

علیرضا کاردار

▪ یادش بخیر ▪

نویسنده: سیدمصطفی صابری

▪ ماوشما ▪

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* در «خفن استریپ شماره ۱۳۱» در تصویر «یکباره» کلمه «بار» را از کجا آوردید؟!
ماوشما: توی تصویر، یه عدد «یک» همراه با یه کلمه «ره» اومده. «یک» همراه «ره» میشه «یک با ره» = «یکباره».
* درباره پرونده‌تون که به موضوع پلاسکو می‌پرداخت، باید بگم برای بعضی مردم ما که شاید کم هم نباشند، با توجه به تجربه‌هایی که مدام تکرار می‌شود، به نظاره نشستن و امروزه هم فیلم و سلفی گرفتن از حوادث تلخ خیلی عمل جذابی است! حال سوژه هرچه باشد، سوختن افرادی در ساختمان باشد یا هر حادثه دیگری! بعضی از مردم طوری با ذوق‌زدگی به این حوادث تلخ نگاه می کنند که انگار مشغول دیدن یک فیلم در سینما هستند!
* در قسمت «نوستالوگرام» مگه تیپ زن ملوان زبل، چه اشکالی داره؟
* سیدمصطفی صابری، داداش گلم گل کاشتی تو «رادیوالان». ولی بی‌فایده است، چون خرافات و جهل و جعل خیلی وقته برای خیلی‌ها عادت شده.
* «اندکی صبر» دوشنبه بسیار زیبا بود.

بهراد

* صفحه «سلامت» در قسمت مطلب «سپر رنگارنگ طبیعت در برابر بیماری» در توضیحات قسمت سیب، به نظرم به جای کاهش از کلمه افزایش استفاده کرده‌اید.
* آق کمال! باشه قانع شدم که شما و خانمت هم‌سطح‌اید. میشه بگید شغلتون و مدرک تحصیلی‌تون چیه؟ خاطرم نیست گفته باشید!
آق کمال: شنبه بین همی صفحه، توضیح مُدُم.
* «رادیوالان» دوشنبه‌ات حرف نداشت.